

تیرگان مهرآفرین حسینی

13-05-2008

[برای دوستان خود بفرستید](#)
[چاپ کنید](#)


یکی بود یکی نبود، زیر گنبدکبود، غیر از خدا... البته چند نفری بودیم در همان مکان همیشگی، زیرزمین کتابخانه‌ی نورت‌یورک. جا هم نبود، روی میزهای پایه‌لقی که گوشه‌ی راهرو افتاده بودند، نشسته بودیم و بعضی‌هایمان کیف و کتاب‌ها هنوز روی دوش‌شان بود. آمده بودیم که فقط سریع قصه‌ها را بشنویم و سر کارهایمان برگردیم. قرار شده بود قصه‌ی هر کسی را که در جشنواره برنامه‌ای داشت بنویسیم، از شاهرخ مشکین‌قلم و رقص تا جعفر والی و نقالی. پس تقسیم کار کردیم، دو سه ویراستار انتخاب کردیم و ایمیل‌ها که رد و بدل شدند یادمان افتاد که مجله‌مان اسم ندارد. دو اسم پیشنهاد شد که یکی‌اش «تیرگان» بود و بعد کسی قصه‌ی «چای‌خانه» را پیش کشید که باعث شد جای خالی چای را احساس کنیم و جلسه را زود بندیم که سردرد بعدازظهرمان را تند برسانیم به Second Cup و چای‌های کیسه‌ای بدمزه‌اش. بعد از آن هم دیگر نیازی به جلسه نبود چرا که نوشتن کاری فردی‌ست در قهوه‌خانه‌ای توی بلور و اسپاداینا یا نیمه‌شبی در سکوت خانه‌ای خواب. پس همان یک ساعت جلسه شد شروع ماه‌ها کار و تلاش نویسنده‌ها و ویراستارها و طراح‌ها تا تیرگان ساخته شود. ما که زود رفتیم ولی می‌گویند از آن روز، زیر گنبد کتابخانه‌ی نورت‌یورک پچ‌پچ انعکاس قصه‌هایمان روی دیوارهای خالی هم‌چنان شنیده می‌شود...



با «یکی بود، یکی نبود» قصه‌ای آغاز می‌شود که مانند همان لکه‌ی جوهری که روی کاغذ سفید راه می‌افتد و پیچ و قوس می‌زند، سرانجامش معلوم نیست. قصه فضایی برای امکانات نامحدود می‌شود، فضایی که در آن تخیل شکل می‌گیرد و به واقعیت راه پیدا می‌کند. «یکی بود، یکی نبود» اول هر قصه باز شدن فضاییست برای ساختن و دوباره ساختن. یکی بود یکی نبود ما هم امکانی است برای دوباره‌سازی قصه‌های مان، که مثل تکه‌های یک چهل‌تکه کنار هم می‌نشینند تا هویتی را بسازند که ماهیتش همان تکه‌تکه بودن است. اگرچه که این «یکی بود، یکی نبود» دیگر همان «یکی بود، یکی نبود» کدو قل‌قل‌زن و دخترشاه پریون نیست، قصه‌ی دیگریست که دیگر نه کدویی به آن بزرگی در آشپزخانه‌اش جا می‌شود، نه بزی روی بامش دارد و نه چوپانی توی خیابان‌ها، ولی با همان کلمات آشنا آغاز می‌شود.

تیرگان مجموعه‌ای از قصه‌های یکی بود یکی نبود است. به رسم ایرانی با مقدمه و چای و مقاله‌ای درباره‌ی «چای‌خانه» آغاز می‌شود و بعد در نوشته‌های کوتاهی به معرفی هرکدام از مهمانان جشنواره و محتوای برنامه‌شان می‌پردازد. قصد از نوشتن نه تنها معرفی مهمانان که نشان دادن گوشه‌هایی از فرهنگ و هنر و سنن ایرانیست و اگرچه مقاله‌ها حول محور عناصر فرهنگی ایرانی دور می‌زنند، مخاطبان مورد نظرشان غیر ایرانی‌ها نیز هستند. سعی بر آن شده که از مرزهای زبان و فرهنگ گذر کنیم و مجالی برای گفتگو نه تنها میان نسل‌های مختلف مهاجران ایرانی، که میان فرهنگ‌های ایرانی و کانادایی فراهم آوریم. اگر چه که این گفتگو، گفتگوی یکپارچه‌ای نیست و تکه‌هایی از قصه‌های ناتمام پراکنده‌ست، ولی همان‌طور که مهاجرت یک‌جور ناتمامیست، ماهیت هویتی که ساخته می‌شود نیز، ناتمامیست. یکی بود یکی نبود و تیرگان قصدشان تمام کردن قصه‌ی هویت ایرانی نیست، که فقط این قصه را دوباره آغاز کرده‌اند.



تیرگان در چهل هزار نسخه‌ی رنگی با کیفیت بالا و به زبان انگلیسی منتشر می‌گردد و روزهای جشنواره در غرفه مخصوص جشنواره ارائه می‌شود. بیش از شصت و هشت صفحه است. 14 نویسنده، چهار ویراستار و پنج طراح در به وجود آوردنش پاری کرده‌اند. قیمتش یک دلار است که خرج خودش و جشنواره می‌شود. یادگاری کوچکی است از اولین جشن تیرگان ایرانیان در تورنتو و نشانی‌اش این است که با «یکی بود، یکی نبود» آغاز می‌شود و آخرش معلوم نیست...

About Us

Powered by: PHPCow.com